

یکهفته با خبر

علیرضا نوری زاده

www.nourizadeh.com
nourizadeh@hotmail.com

... که در خانه تزویر و ریا بگشایند

سه شنبه 6 تا جمعه 9 دسامبر

پیشدرآمد: خاصه مداح «آقا» حالا نرم نرمک با مشاهده بوزینه‌هایی که در برابرش دولا و راست می‌شوند و مدحش را می‌گویند، باورش می‌شود که انسان برگزیده و متعالی است و صاحب کرم و کرامت. در آینه به خود می‌نگرد و می‌گوید چه چیز من کمتر از سید علی خامنه‌ای است که هر بار جمکران می‌رود، اصغر حجازی نغمه سر می‌دهد که آقا وصل شد و فرمایشات امروز ایشان تکرار سخنان خود «حضرت» است. دیروز پیامبر و علی و حسین و حسن و صادق را مصادره به مطلوب کردند، حالا نوبت به مهدی موعود است که به دست سید علی آقا و مصباح یزدی و جوجه مریدش، هم معنا و فلسفه اش را مشوه کنند و هم آن فلسفه زیبای عدالت‌جوئی را که اجداد ما در هیأت سوشیانت، نخست به دنبالش بودند و بعد فرزند نادیده یازدهمین پیشوای اهل بیت را بدین خلعت گرامی و زیبا آراستند، به مضحکه‌ای در بازار رذالت خود تبدیل کنند. این مردک محمود احمدی نژاد رسماً دارد به همان راهی می‌رود که در تاریخ شیعه، کلاشان نامدار و بی‌نام فراوانی بدان گام نهاده‌اند، یکی به لطف دولت فخمیه و استعداد ذاتی از مشاهیر دکان داران دین می‌شود، و آن دگری سرش بر بالای دار می‌رود. احمدی نژاد بدون شک نه استعداد و قابلیت ذاتی دارد و نه مورد لطف دولت فخمیه است بنابراین به آنکه سرش به دار رفت بیشتر نزدیک است. آنچه برای خود من سؤال برانگیز است سکوت علمای قم در رابطه با خزعبلاتی است که طی سه چهار ماهه اخیر از سوی احمدی نژاد و اصحابش درباره کرامات رئیس جمهوری و اتصالش به حضرت و آب‌تنی کردنش در چشمه ولایت و فالوده خوردنش با از مابهران، عنوان شده و می‌شود. خمینی به همان اندازه که در کشتن تهور داشت و تا آنجا می‌رفت که حکم اعدام فرزند خوانده‌اش صادق قطب زاده را که از مهمترین عوامل به قدرت رسیدنش بود، امضا می‌کرد، در عرصه دین نیز اعتنائی به اصول و اعتقادات دیرسال و دیرپای شیعه نداشت در عین حال دکاندارانی را که می‌خواستند روی دست او بلند شده و حلقه بر باب مهدی موعود بزنند خیلی خوب می‌شناخت.

یکبار همه ما به یاد داریم که در پاسخ به فخرالدین حجازی نماینده اول تهران در دوره دوم مجلس و خطیب اول جمهوری ولایت فقیه، وقتی که فریاد کشید: بزرگ، عظیم، بت شکن، ای قائد و زعیم، مگذار که انتظار زارم بکشد، بگو بگو و بخوان و بخوان چنانکه جدت در غار حرا خواند، بگو بگو که خودت هستی آن کس که جان ما در انتظارش گذاخته است... بعد از درنگی کوتاه گفت: احمدآقا لطفا آقایان را به خارج هدایت کنید. یعنی این که مردک برو این حقّه بازیها را جای دیگری راه بینداز که عنقا را بلند است آشیانه.

باری، احمدی نژاد هم مدعی کرامت است و هم برافرازنده علم مهدویت مزور... و هرچه زمان می گذرد آثار مخرب او بیشتر دامن گیر رژیم می شود که رهبرش خود بساط همه بازیگران صحنه ولایت را برهم زد تا سیاهی لشگری را ارباب جمشید گمنامی، به سینمای کاخ ریاست جمهوری آنهم در نقش اول مرد قصه، راهنمون شود. اظهارات احمدی نژاد در حاشیه کنفرانس سران اسلامی در مکه در رابطه با دروغ بودن «هالی کوست» یا کشتار میلیونی یهودیان توسط نازیهای آلمان، و پیشنهاد حضرتش به آلمان و اتریش برای دادن بخشی از خاک خود به «صهیونیست»ها جهت تشکیل دولت اسرائیل، جلوه روشنتری را از اندیشهها و باورهای ذهن بیمارگونه کوچک مردی حقیر، به ما عرضه کرد. پیش از آنکه به اهمیت این اظهارات در رابطه با استراتژی اسرائیل در منطقه بنویسم اجازه بدهید نخست نگاهی به کنفرانس سران مکه و جایگاه احمدی نژاد در آن بیندازم و سپس دلایل برپائی کنفرانس مطبوعاتی او و پشت پرده اظهاراتش را برای شما شرح دهم.

نشست آشتی و اعتدال و تسامح

ملک عبدالله پادشاه سعودی یا آنطور که خطابش می کنند خادم حرمین شریفین، از همان نخستین روزهایی که به جای برادرش ملک فهد در پی درگذشت وی به تخت نشست، ورد و ذکر روز و شبش این بود که تروریستهای بنیادگرای اسلامی لطمه سنگینی به اسلام وارد کرده اند به گونه ای که اسلام امروز به عنوان یک ایدئولوژی خشن و خون آلود که به جنز مرگ و نفرت و جنگ و جدالهای گاه بسیار خونین، در چننه ندارد، مورد نفرت غرب و شرق قرار گرفته است. ملک عبدالله با تشکیل نشستی در رابطه با اسلام و تروریسم و سپس دیداری با علمای سعودی که طی آن به آخوندهای متعصب سنی و وهابی اخطار داد اگر اعتدال و میانگرایی را پیشه نکنید، دکانتان را تعطیل می کنیم و از مدرسه و مسجد بیرون می اندازیمتان! خلاصه جای شوخی ندارد باید مغزهای خود را از تطرف و تعصب و نفرت پاک کنید. ملک عبدالله آنگاه در پی دیدارهایی با کوندالینزا رایس وزیر خارجه آمریکا و مشاور امنیت ملی جورج بوش، سازمان کشورهای کنفرانس اسلامی را به برگزاری اجلاسی ویژه از سران جهان اسلام فراخواند. دستور کار این کنفرانس که به مدت سه روز (یکروز برای نشست وزرای خارجه و تنظیم بیانیه کنفرانس و دو روز برای دیدار سران جهان اسلام با یکدیگر و به نوعی جایگاه ملک

عبدالله را به عنوان زعيم عالم اسلامي و خادم حرمين شريفين به رسميت شناختن) برگذار شد، در سه عنوان خلاصه مي‌شد.

الف: اسلام دين صلح و آشتي و تسامح و تساهل است. (به قول ملك عبدالله دين وسط كه خير الامور اوسطها)
ب: بنيادگرائي و تروريسم از نگاه ما محكوم است و بر علماي اسلام است كه اين گروههاي گمراه و مرتد را از ملت اسلام بيرون اندازند و اگر توبه نكردند ارتداد آنها را اعلام كنند.

ج: براي ترميم چهره مشوه و آشفته اسلام در افكار عمومي جهاني لازم است كه كشورهاي اسلامي مشترك و دست در دست يكدیگر با اتخاذ سياستهاي صلح جويانه و اصلاحات داخلي و گسترش دانش و فرهنگ، چهره تازه اي از اسلام را عرضه كنند.

اين سه عنوان اصلي كنفرانس بود. و در حاشيه كنفرانس نيز سه موضوع اساسي مورد بحث قرار داشت.
نخست وضع عراق و تروريسم كور بيبادگري كه دمار از روزگار مردم رنج كشيده عراق در آورده است. كشورهاي اسلامي به ويژه همسايگان عراق موظفند در راه برقراري آرامش و امنيت در عراق و برخورداري مردم اين كشور از يك دولت ملي قدرتمند، هم به شكل مادي و هم به صورت معنوي تلاش كنند.

دوم: موضوع طرح خاورميانه بزرگ، صلح بين اسرائيل و فلسطين و كوشش براي خاتمه دادن به منازعه نيم قرنه عربيها و اسراييليها، و منازعات منطقه اي در كشمير بين هند و پاكستان و در قفقاز بين آذربايجان و ارمنستان از يكسو و روسيه و چچن از سوي ديگر و...

و بالاخره: آينده رژيم سوريه در پرتو آلوده داماني رژيم بعثي آل اسد در قتل رفيق الحريري نخست وزير اسبق لبنان و دهها تن از شخصيتهاي سياسي و فرهنگي و اقتصادي و رسانه اي، و تلاشهاي دمشق براي منحرف ساختن مسير تحقيقات كميته ويژه سازمان ملل به رياست دتلف مهليس قاضي آلماني، موضوع مهم ديگري بود كه در حاشيه كنفرانس در بالاترين سطح به آن پرداخته شد. طرح پادشاه سعودي كه در سال 2002 در كنفرانس سران عرب در بيروت توسط وي كه در آن تاريخ وليعهد همه كاره كشورش بود به كنفرانس ارائه داده شد، به عنوان طرحي عادلانه و منطقي براي پايان بخشيدن به بيش از نيم قرن نزاع عربيها و اسراييليها، بار ديگر در كنفرانس سران مكه، ويژگي و اعتبار در خوري پيدا كرد.
بر اساس اين طرح اگر اسرائيل سرزمينهاي اشغالي در جنگ شش روزه سال 1967 را تخليه و آنها را به صاحبان اصلي اش يعني فلسطينيها بازگرداند، كشورهاي عربي به طور همزمان اسرائيل را به رسميت خواهند شناخت و با اين كشور روابط كامل ديپلماتيك برقرار مي‌كنند.

اين را داشته باشيد تا همزمان سري هم به اسرائيل بزنيم و در ادامه آنچه هفته گذشته پيرامون اقدام تاريخي آريل شارون و شيمون پرز نوشته بودم، گشايش فصلي نو در تاريخ اسرائيل و زندگي سياسي در اين كشور را دنبال كنيم. در اين هفته شمار ديگري از دولتمردان و نظاميان اسراييلي از جمله وزير دفاع اين كشور شائول موفاز ضمن اعلام جدائي از حزب

لیکود و بعضی از احزاب دست راستی و میانه مذهبی، پیوند خود را با شارون در حزب تازه اش اعلام کردند. بدیهی است چنین تحولاتی همراه با چشم اندازی که از روی کار آمدن یک دولت ائتلافی قدرتمند در اسرائیل به رهبری شارون و حضور سنگین وزنه‌های سیاسی مثل پرز و موفاز پیش روی ما قرار گرفته، تندروهای مذهبی و سیاسی از تیره بنیامین ناتانیاو را آشفته و نگران کرده است. همین نگرانی را نیز سیدعلی خامنه‌ای و خشک مغزانی چون احمدی نژاد با همه وجود احساس می کنند. صلح بین فلسطینی‌ها و عربها و اسرائیلی‌ها و برپائی دولت مستقل فلسطین، کابوسی است که تاجران شهادت و مقاومت را در تهران و دمشق، به وحشت می اندازد. اگر محمود عباس (ابومازن) توانست انتخابات آینده پارلمان فلسطین را ببرد و دولتی مقتدر در فلسطین تشکیل دهد، آنگاه با توجه به فضای بین‌المللی و خواست دولت آمریکا در تطبیق بندبند طرح خاورمیانه بزرگ، تردیدی نیست که قطار صلح از ایستگاه نا امیدی و بن بست ترور و ضد ترور بیرون خواهد آمد. در چنین وضعی تکلیف سیدعلی رهبر که شال فلسطینی به گردن می اندازد و گهگاه حس می کند روح صلاح الدین ایوبی که پیش از این در جسم احمد شقیری‌ها و حافظ اسدها و خمینی‌ها ظهور کرده بود، در هیأت مبارکش حلول کرده است چه خواهد شد. برای جلوگیری از تحقق چنین امری باید همان کاری را کرد که پنج سال پیش باعث شکست اردوگاه صلح طلبان به رهبری ایهود باراک در انتخابات شد. یعنی اینکه از یکسو جهاد اسلامی را که بند نافش به رحم ولایت فقیه وصل است به دست زدن به اعمال انتحاری و اقدامات تروریستی تشویق کرد و از سوی دیگر خاصه مداح ولایت را جلو انداخت تا با حرفهای صد تا یک غاز خود نظیر آنچه در نشست «جهان بدون صهیونیسم» در تهران ایراد کرد و یاوه و لغوی که در حاشیه کنفرانس سران اسلامی در مکه بیان نمود، بار دیگر فضای اسرائیل را به یک فضای نظامی - امنیتی بدل کند. پنج عملیات انتحاری مرگبار در ماههای پایانی دولت باراک که توسط حماس و جهاد اسلامی انجام گرفت، شکست حزب کارگر و پیروزی لیکودی‌های تندرو را به همراه داشت. امروز نیز می بینیم به برکت حرفهای احمدی نژاد و اقدام انتحاری یکی از فریب خوردگان جهاد اسلامی، بار دیگر ناتانیاو جان می گیرد و صدای مخالفان صلح بلند می شود. باور کنید رژیم جمهوری اسلامی بزرگترین و مهمترین یاور دست راستی های ضد صلح اسرائیل است. و هر بار آنها در توجیه سیاستهای خود کم آورده اند، بانگی در تهران و یا حرکتی از سوی وابستگان رژیم در لبنان و فلسطین این کمبود را جبران کرده است. رژیم ولایت فقیه دشمن صلح و آشتی در خاورمیانه است به همین دلیل نیز احمدی نژاد وقتی مشاهده کرد در مکه اعتنائی به او ندارند و کسی نمی پرسد حضرت الاغت به چند است، متوسل به روش برادر حاتم طائی شد که با ادرار کردن در چاه زمزم کوشید نامی پرآوازه تر از نام برادر پیدا کند.

سخنان احمدی نژاد هم محکومیت جهانی را به دنبال داشت و هم باعث غضب و ناراحتی میزبان سعودی و دیگر میهمانان بلندپایه کنفرانس سران اسلامی شد.

انتخابات عراق، حدیث بودن یا نبودن

1- پانزدهم دسامبر عراقی‌ها به پای صندوقهای رأی می‌روند. روزی بزرگ در زندگی مردم کشور همسایه ما که از 14 ژوئیه 1958 یعنی روز کودتای خونین عبدالکریم قاسم، تا امروز آب خوش از گلویشان پائین نرفته است. با این انتخابات دولت دائمی عراق به عنوان یک کیان فدرال با حکومتی غیردینی برپا خواهد شد. دولتی که نخستین اقداماتش، برقراری امنیت و آرامش، تأمین نیازهای اولیه مردم، و زمینه سازی برای خروج نیروهای بیگانه از کشور خواهد بود. البته عراقی‌ها 8 ماه پیش نیز پای صندوقهای رأی رفتند اما آن بار هدف برپائی یک پارلمان موقت با دولتی موقت بود که نخستین مسئولیتش، تدوین قانون اساسی و به تصویب رساندن آن بود. دولت موقت به ریاست ابراهیم الجعفری رهبر حزب الدعوه البته نتوانست حتی یک درصد از وعده‌های خود را عملی کند. برعکس در دوران حکومت الجعفری، وضع امنیت به شدت آشفته تر از پیش شد، در عرصه خدمات دستاوردهای دولت ایاد علاوی همگی به باد رفت، تعصب و مذهب و قبیله گرایی، فعال شدن شبه نظامیان وابسته به حزب الدعوه و مجلس اعلا و سپاه بدر زیر سایه «بیان باقر صولاخ جبر» وزیر کشور و از وابستگان جمهوری ولایت فقیه و... از جمله سیئات حکومت ابراهیم الجعفری بود. در انتخابات 15 دسامبر گروهها و احزاب سیاسی عمده به عنوان قطبهای قدرت، شماری از احزاب و دسته‌های کوچک را زیر بال گرفته‌اند و هر یک جبهه‌ای برپا داشته اند که روز 15 دسامبر مردم عراق نظر خود را به هر یک از این جبهه ها بیان خواهند کرد. پیش بینی می‌شود که 15 میلیون عراقی در داخل و خارج کشور در انتخابات شرکت کنند. تعداد گروههای سیاسی شرکت کننده 212 تشکل است. که در میان آنها 19 تشکل ائتلافی وجود دارد. حوزه‌های رأی گیری در 18 شهر عراق با 6300 مرکز رأی دادن زیر نظر صدها ناظر خارجی و نمایندگان احزاب و گروههای سیاسی از چند روز قبل از انتخابات تحت پوشش امنیتی شدید نیروهای نظامی خارجی و عراقی قرار گرفته است. تعداد کل نامزدهای انتخابات 7 هزار تن است و زنان در مجلس آینده حداقل 25 درصد از کرسیها را در اختیار خواهند گرفت. عمده ترین تشکلهای سیاسی عبارتند از:

1- العراقیه الوطنیه (ملی عراق) که از 14 حزب و گروه سیاسی سکولار تشکیل شده و ریاستش را دکتر ایاد علاوی نخست وزیر اسبق و رهبر حزب توافق ملی عهده دار است. در این تشکل چهره‌های برجسته‌ای چون عدنان الپاچه چی وزیر خارجه اسبق، حمید مجید موسی رهبر حزب کمونیست، سید ایاد جمال‌الدین، فلاح النقیب وزیر سابق کشور، غازی الیاور رئیس جمهوری پیشین و معاون رئیس جمهوری فعلی، حاجم الحسنی رئیس پارلمان شرکت دارند.

2- جبهه التوافق العربیه (سنی) به ریاست محسن عبدالحمید رهبر حزب اسلامی

3- جبهه صلح و برادری به ریاست علی عبدالحسین کمونه

4- ائتلاف کربلائی‌های مستقل (شیعه) به ریاست عباس حسانی

- 5- جبهه گفتگوی ملی به ریاست عبدالرحمت العامی
 - 6- ائتلاف اسلامی (شیعه) به ریاست ابراهیم عباس از سازمان عمل اسلامی که رهبرش محمد تقی مدرس است
 - 7- فهرست نهرین ملی (آشوری‌ها و کلدانی‌ها) به رهبری فواد رحیم.
 - 8- جبهه عراق موحد (سنی) به رهبری صالح المطلک
 - 9- ملی‌ها (شیعه) به ریاست مهند فاضل
 - 10- فهرست مثال الالوسی (معاون سابق احمد الجلبی که بعثت سفر به اسرائیل از حزب کنگره ملی اخراج شد).
 - 11- کنگره ملی عراق به ریاست احمد الجلبی
 - 12- ائتلاف عراقی موحد (شیعه) که از 16 حزب و سازمان شیعه مثل المجلس الأعلى، حزب الدعوة، حزب الله، حزب فضیلت، سپاه بدر، وابستگان مقتدا صدر و جیش المهدي تشکیل شده و رهبری آن را عبدالعزیز حکیم عهده‌دار است.
 - 13- جبهه نجات ملی به ریاست عصام الجبوری
 - 14- کادرهای حزب الدعوة (جدا شده از حزب الدعوة) به ریاست عبدالرحمت حیدر
 - 15- فهرست وحدت ملی به ریاست فواز الجریبا
 - 16- خورشید عراق، به ریاست مالک دوهان حسن وزیر دادگستری سابق
 - 17- جبهه متحد کردستان: متشکل از دو حزب بزرگ دمکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی و اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی، و حزب کمونیست کردستان به رهبری کمال شاکر، حزب سوسیالیست دمکراتیک به رهبری حمد حاج محمود، جماعت اسلامی به رهبری محمد حمیدعلی، حزب برادری ترکمن به ریاست ولید شرکت، حزب ملی کلدانی‌ها به رهبری ابلحد اوقاریم.
 - 18- فهرست عربی (سنی) به رهبری حسیب العبیدی متشکل از جنبش همبستگی و جبهه عربی واحد.
 - 19- ملیون دمکرات (شیعه و سنی) به رهبری حاتم مخلص
 - 20- گروه وفای عهد به بصره (شیعه) به رهبری رمضان بدران در انتخابات 15 دسامبر، رای دهندگان 275 نماینده را براساس گزینش فهرستهای ارائه شده انتخاب خواهند کرد.
- عمر پارلمان ملی عراق 4 سال خواهد بود. بعد از اعلام نتایج انتخابات، و تعیین رئیس جمهوری از سوی پارلمان جدید (که به احتمال زیاد جلال طالبانی همچنان این پست را عهده‌دار خواهد بود) رئیس جمهوری از پارلمان پیرامون انتخاب یک نخست وزیر استمراج خواهد کرد و کسی که حزبش برنده انتخابات است از سوی پارلمان نامزد می‌شود، تا دولت تازه را تشکیل دهد.